



Woman in Development and Politics

Development of a Measurement Tool for Women's Empowerment: Steps and Results

Fatemeh Allahyari^{1iD}, Rasool Norouzi Seyed Hosseini^{2iD}, Mohammad Ehsani^{3iD}, Ghodratollah Bagheri^{4iD}

1. PhD Student, Department of Sport Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: allahyari_fateme@modares.ac.ir
2. Corresponding Author, Associate Professor of Department of Sport Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: rasool.norouzi@modares.ac.ir
3. Professor of Department of Sport Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: ehsani@modares.ac.ir
4. Associate Professor of Department of Sport Management, Faculty of Management and Accounting, Farabi College, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: ghbagheri@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received Received in revised form Accepted Published online Keywords: Empowerment, Measurement, Questionnaire, Women.	Empowering women as a central pillar of sustainable development requires standardized tools to measure its multifaceted dimensions. The objective of this article was to develop a questionnaire that is both valid and dependable in assessing the empowerment of Iranian women. A questionnaire consisting of 37 items in seven domains (psychological, decisional, social, gender, economic, health and welfare, and civic empowerment) was designed. Subsequently, the construct validity of the questionnaire was examined using exploratory factor analysis. The instrument's logical structure was demonstrated by the results, which confirmed seven subscales that accounted for 59% of the variance in the data. Finally, the questionnaire's reliability was verified by calculating a Cronbach's alpha coefficient of 0.83 for the entire scale, which suggests that the internal consistency is satisfactory. The validity of the results was enhanced by the combination of qualitative and quantitative methods and the utilization of a large sample. This comprehensive questionnaire is capable of measuring the intricate dimensions of women's empowerment in the socio-cultural context of Iran, and by identifying structural challenges, such as socio-cultural barriers, discriminatory laws, and the absence of multi-dimensional, context-specific tools, it identifies the strengths and weaknesses of programs. In contrast, existing tools fail to consider psycho-social dimensions and are not tailored to the context of Persian-speaking societies. The results indicate that this instrument is not only suitable for evaluating the current situation, but it also addresses the gap in previous tools. By identifying the underlying obstacles, it provides the requisite data to revise policies, design multi-dimensional interventions, and monitor progress toward sustainable development goals.

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

ارائه ابزار اندازه‌گیری توانمندسازی زنان: مراحل و نتایج

فاطمه الهیاری^۱، رسول نوروزی سیدحسینی^۲، محمد احسانی^۳، قدرت‌اله باقری^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: allahyari_fateme@modares.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: rasool.norouzi@modares.ac.ir

۳. استاد گروه علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: ehsani@modares.ac.ir

۴. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ghbagheri@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:	توانمندسازی زنان به عنوان محور توسعه پایدار، نیازمند ابزاری استاندارد برای سنجش ابعاد چندگانه آن است.
مقاله پژوهشی	این مقاله با هدف طراحی پرسشنامه‌ای روا و پایا برای سنجش توانمندسازی زنان ایرانی انجام گرفت. با
تاریخ دریافت:	بررسی پیشینه موضوع، مصاحبه و مشورت با متخصصان، پرسشنامه با ۳۷ گویه در هفت حوزه توانمندسازی
تاریخ بازنگری:	روان‌شناختی، تصمیم‌گیری، اجتماعی، جنسیتی، اقتصادی، سلامت و رفاه و مدنی طراحی شد. سپس اعتبار
تاریخ پذیرش:	سازه پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد. نتایج، هفت زیرمقیاس را تأیید کرد که ۵۹
تاریخ انتشار:	درصد از واریانس داده‌ها را تبیین کردند و ساختار منطقی ابزار را نشان دادند. در نهایت، پایایی پرسشنامه با
کلیدواژه‌ها:	محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برای کل مقیاس تأیید شد که حاکی از همسانی درونی مطلوب بود.
ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه، توانمندسازی زنان.	استفاده از نمونه بزرگ و ترکیب روش‌های کیفی و کمی به افزایش اعتبار نتایج کمک کرد. ابزارهای موجود
	از توجه به ابعاد روانی-اجتماعی غافل‌اند و با بافت جوامع فارسی‌زبان تطابق ندارند، ولی این پرسشنامه جامع
	قادر است ابعاد پیچیده توانمندسازی زنان را در بافت فرهنگی-اجتماعی ایران اندازه‌گیری کند و با شناسایی
	چالش‌های ساختاری از جمله موانع فرهنگی-اجتماعی، قوانین تبعیض‌آمیز و نبود ابزارهای چندبعدی
	بوم‌محور، قوت‌ها و ضعف‌های برنامه‌ها را شناسایی کند. یافته‌ها نشان می‌دهد این ابزار نه تنها برای ارزیابی
	وضعیت کنونی کاربرد دارد، بلکه شکاف موجود در ابزارهای پیشین را پر می‌کند و با شناسایی موانع
	زمینه‌ای، داده‌های لازم را برای اصلاح سیاست‌ها، طراحی مداخلات چندبعدی و پایش پیشرفت به‌سوی
	اهداف توسعه پایدار فراهم می‌کند.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

توانمندسازی زنان، واژه‌ای کلیدی در بحث توسعه پایدار، نه تنها به معنای دستیابی به عدالت جنسیتی است، بلکه محور اصلی تحول اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع محسوب می‌شود. این مفهوم نه تنها به معنای دستیابی به قدرت تصمیم‌گیری و کنترل بر منابع است، بلکه شامل ارتقای عاملیت فردی، دسترسی به فرصت‌های برابر و تغییر ساختارهای نهادی نابرابری می‌شود (James, 2022: 60). توانمندسازی زنان به معنای توانایی تصمیم‌گیری، توانایی مبارزه برای احقاق حقوق و مستقل بودن است. زنان توانمند به‌طور جمعی مهارت‌های تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری و عمل را ارائه داده‌اند و مشارکت برابر در فرایند توسعه و افزایش عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس را تضمین کرده‌اند (Rodés Paragarino & Gewerc, 2022: 11). همچنین توانمندسازی زنان با مالکیت دارایی و کنترل بر منابع نیز مرتبط است (Palash et al., 2024: 5).

توانمندسازی زنان را می‌توان افزایش احساس ارزشمندی، توانایی در تعیین انتخاب‌های خود و تأثیرگذاری بر تغییرات اجتماعی برای خود و دیگران تعریف کرد. توانمندسازی زنان فقط در صورتی محقق می‌شود که وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها بهبود یابد. این امر فقط با اتخاذ سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی معین با هدف توسعه همه‌جانبه زنان و درک آن‌ها از توانایی بالقوه امکان‌پذیر است (Sharma, 2023: 9). اما توانمندسازی زنان یک اصطلاح گسترده، بحث‌برانگیز و چندوجهی است که به روش‌های مختلف تعریف شده و گفته می‌شود بیش از آنکه یک نقطه پایان باشد، یک فرایند است (Tan, 2021: 929). چندبعدی بودن این مفهوم از آن جهت است که این مفهوم بر چندین حوزه از زندگی یک زن (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و...) تأثیر می‌گذارد و مفهوم‌سازی آن را دشوار می‌کند (Hao, Zhang, & Xiao, 2021: 973). افزون بر این، مطالعات اخیر بر لزوم گنجاندن مؤلفه‌های فرهنگی و زمینه‌ای نیز تأکید دارند؛ چرا که تفسیر توانمندسازی در جوامع مختلف ممکن است تحت تأثیر هنجارهای محلی و ساختارهای قدرت متفاوت باشد (Tan, 2021: 930).

توانمندسازی زنان به‌عنوان فرایندی چندبعدی و پیچیده، در پژوهش‌های متعددی بررسی شده است (James, 2022: 61). چندبعدی بودن مفهوم توانمندسازی زنان بر کسی پوشیده نیست. با این حال، نبود سازوکارهای یکپارچه و استاندارد برای سنجش این ابعاد، موجب اجرای برنامه‌های ناکارآمد و نادیده گرفتن نیازهای خاص گروه‌های مختلف زنان شده است (Abdulai, Salifu, & Domanban, 2024: 4). برای مثال، در ایران، علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، شاخص‌های توانمندسازی زنان به‌دلیل موانع فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی، همچنان در سطوح پایینی قرار دارد (Saffari & Heidari, 2022: 833). به عبارتی شکاف اصلی در این حوزه، نبود ابزاری است که هم‌زمان ابعاد چندگانه توانمندسازی زنان را با در نظر گرفتن ویژگی‌های بومی و زمینه‌ای بسنجد (Widiastuti et al., 2024: 3). این کمبود به‌ویژه در جوامعی مانند ایران که هنجارهای سنتی و ساختارهای نهادی پیچیده بر توانمندسازی زنان تأثیرگذارند، بیش از پیش احساس می‌شود (Saffari & Heidari, 2022: 833). پژوهشگران ایرانی تاکنون عمدتاً بر ابعاد اقتصادی متمرکز بوده‌اند؛ درحالی‌که ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی توانمندسازی، به‌ویژه در مناطق روستایی و حاشیه‌نشین، مغفول مانده است (Tizchang et al., 2024: 12). مطالعه رفیعی و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد پرسشنامه‌های موجود اغلب در سنجش ابعاد روانی و اجتماعی توانمندسازی ضعف دارند که این امر لزوم بازبینی و توسعه ابزارهای جدید را پررنگ‌تر می‌کند (Rafiey et al., 2018: 1111).

این مطالعه با هدف پرکردن این شکاف تحقیقاتی، به ارائه یک ابزار استاندارد و چندبعدی برای اندازه‌گیری توانمندسازی زنان می‌پردازد. ابزار پیشنهادی، با تلفیق شاخص‌های جهانی (مانند دسترسی به منابع اقتصادی) و زمینه‌محور (مانند نگرش‌های فرهنگی به نقش جنسیتی)، قابلیت تطبیق با شرایط متنوع اجتماعی-اقتصادی را دارد. این پژوهش از روش‌شناسی ترکیبی (کمی-کیفی) استفاده می‌کند تا با تحلیل داده‌های اولیه از زنان در مناطق شهری و روستایی ایران، اعتبار و پایایی ابزار را تضمین کند. انتظار می‌رود این ابزار نه تنها به سیاست‌گذاران در طراحی برنامه‌های هدفمند کمک کند، بلکه به‌عنوان چارچوبی

برای مطالعات تطبیقی در سایر جوامع با چالش‌های مشابه نیز به کار رود. ساخت پرسشنامه توانمندسازی زنان به عنوان ابزاری جامع و چندبعدی، نه تنها چالش‌های اندازه‌گیری این مفهوم پیچیده را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه‌ای برای مقایسه سیستماتیک وضعیت زنان در جوامع مختلف فراهم می‌کند. این پژوهش با تکیه بر چارچوب‌های نظری معتبر و مشارکت جامعه هدف، پرسشنامه‌ای طراحی می‌کند که هم‌زمان از اعتبار علمی و تطابق فرهنگی برخوردار باشد. دستاورد نهایی این مطالعه، تسهیل دستیابی به برابری جنسیتی از طریق ارائه داده‌های دقیق و قابل اتکا به نهادهای ذی‌نفع خواهد بود. این ابزار نه تنها برای ارزیابی برنامه‌های توسعه‌ای (مانند طرح‌های اعتبار خرد یا آموزش‌های مهارتی) مفید خواهد بود، بلکه در مطالعات تطبیقی بین کشورها و رصد پیشرفت به سوی اهداف توسعه پایدار کاربرد دارد. به علاوه، داده‌های حاصل از این پرسشنامه می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی مداخلات هدفمندتر، مانند تقویت قوانین ضد تبعیض یا بهبود دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و آموزشی یاری رساند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه نظری

توانمندسازی زنان فرایندی پویا و چندبعدی است که به افزایش عاملیت فردی، دسترسی به منابع و کنترل بر تصمیم‌گیری‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی منجر می‌شود. این مفهوم نه صرفاً به معنی بهبود وضعیت مادی، بلکه شامل تغییر ساختارهای نهادی نابرابر و تقویت خودکارآمدی، عزت‌نفس و مشارکت اجتماعی زنان است (Efthymiadou & Farmaki, 2024: 60-61).

توانمندسازی زنان فرایندی تحول‌آفرین است که از طریق آن، زنان دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را افزایش می‌دهند (Kabeer, 1999: 8-10)، عاملیت خود را تقویت می‌کنند (توانایی تعیین اهداف و اقدام مستقل) (Rowlands, 1997: 26-28)، کنترل بر زندگی و محیط پیرامون را کسب می‌کنند (Batliwala & Dhanraj, 2007: 13). این مفهوم ذاتاً پویا و زمینه‌محور است و در فرهنگ‌های مختلف تعابیر متفاوتی دارد. در جوامع غربی، بر استقلال فردی و حقوق قانونی تأکید می‌شود (James, 2022: 61) و در جوامع شرقی، نقش خانواده و مسئولیت‌های جمعی پررنگ‌تر است (Tan, 2021: 933-934).

براساس نظریه کبیر^۱ (۱۹۹۹)، توانمندسازی زنان از سه عنصر اصلی تشکیل می‌شود: منابع (دسترسی به دارایی‌های مادی و غیرمادی)، عاملیت (توانایی انتخاب و اقدام آگاهانه) و دستاوردها (نتایج ملموس بهبود وضعیت زندگی) (Aarti, 2023: 221). این چارچوب در ترکیب با مدل‌های دیگر که در ادامه مطرح می‌شود، پایه نظری مناسبی برای طراحی پرسشنامه‌ها ارائه می‌کند.

یکی از مدل‌های نظری توانمندسازی، مدل شولر^۲ است. این مدل بر پایه هشت شاخص کلیدی منابع و ظرفیت‌ها (آگاهی سیاسی، امنیت اقتصادی) و عاملیت (تحرك، مشارکت در تصمیم‌گیری، شرکت در اعتراضات) طراحی شد. در سال ۲۰۱۰، این شاخص‌ها به هفت مورد تقلیل یافت و شاخص‌های جدیدی مانند «دسترسی به رسانه» و «مدیریت دارایی‌ها» افزوده شد (Schuler, Islam, & Rottach, 2010: 849). مدل بعدی، مدل پنج‌بعدی شارونگا^۳ (۲۰۱۹) است که این مدل جامع، ابعاد زیر را

پوشش می‌دهد:

اقتصادی: کنترل بر درآمد و منابع مالی (Machio et al., 2024: 322)؛

اجتماعی: مشارکت در گروه‌ها و اعتماد متقابل (Sharaunga, Mudhara, & Bogale, 2019: 12-13)؛

1. Kabeer

2. Schuler Model

3. Sharaunga's Five-Dimensional Empowerment Model

مدنی: آگاهی از حقوق قانونی (8: Valerio et al., 2024)؛
 روانی: عزت نفس و خودکارآمدی (1698-1699: Efthymiadou & Farmaki, 2024)؛
 کشاورزی (در جوامع روستایی) (8: Sharaunga et al., 2019).
 مدل دیگر در این رابطه، مدل نایاک و ماهانتا^۱ است که بر ابعاد چندگانه توانمندسازی از جمله اقتصادی (دسترسی به اشتغال)، سیاسی (مشارکت در تصمیم گیری) و اجتماعی (آزادی حرکت، کاهش خشونت خانگی) تأکید دارد (Nayak & Mahanta, 2009: 5-11).
 درنهایت، مدل کاتانتو و چاپمن^۲ توانمندسازی را فرایندی چرخشی در سه مرحله اهداف، اقدامات و پیامدها تعریف می کند. ویژگی کلیدی مدل، تأکید بر بستر اجتماعی است که عواملی مانند فرهنگ محلی، نهادها و سیاست های کلان بر هر سه مرحله تأثیر می گذارند و چرخشی بودن، عدم تحقق اهداف، بازنگری در اقدامات و اصلاح مدل را ضروری می سازد (Cattaneo & Chapman, 2010: 646). از اهداف این مدل، تمرکز بر تغییر نگرش زنان، افزایش عاملیت (تصمیم گیری و خودکارآمدی) و بهبود دسترسی به منابع است که به عنوان نمونه می توان به تحول باورهای سنتی و افزایش آگاهی حقوقی اشاره کرد (Astinfeshan et al., 2018: 122). راهبردهای عملیاتی برای دستیابی به اهداف، در قالب مرحله اقدامات، شامل آموزش هدفمند (مهارت های فنی و حقوقی)، بازسازی ساختارهای حمایتی (صندوق های اعتبارات خرد، تشکلهای محلی) و برنامه ریزی مشارکتی است (Norouzi, Farhadian, & Hosseinian, 2019: 142-143). پیامدهای این مدل در مرحله آخر، نتایج ملموس توانمندسازی شامل ارتقای جایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان و تغییر در طراحی برنامه های آتی مبتنی بر نیازها است (Ataei & Miandashti, 2012: 440-443).
 در ادامه به ابعاد توانمندسازی در مطالعات علمی پرداخته می شود که در بعد اقتصادی می توان به کنترل بر درآمد، مالکیت دارایی و مشارکت در بازار کار اشاره کرد (Machio et al., 2024: 326; McCarthy & Krause, 2024: 7; Palash et al., 2024: 9). در رابطه با بعد اجتماعی، مواردی مانند مشارکت در نهادهای مدنی و رفع کلیشه های جنسیتی را می توان نام برد (Banerjee, Alok, & George, 2020: 9-10; Rodés Paragarino & Gewerc, 2022: 7). در مورد بعد روان شناختی، عزت نفس، خودکارآمدی و تفکر انتقادی مورد توجه قرار می گیرد (Paragarino & Gewerc, 2022: 7). و شاخص کلیدی آن مقاومت در برابر خشونت است (James, 2022: 61). آگاهی از حقوق قانونی و مشارکت در تصمیم گیری های عمومی در بعد سیاسی-مدنی قرار دارد (Valerio et al., 2024: 1) و شاخص کلیدی حضور در نهادهای محلی مربوط به این بعد است (Takieladin, 2023: 15). در بعد سلامت و رفاه نیز به مواردی مانند دسترسی به خدمات بهداشتی، عدم تبعیض و برنامه ریزی خانواده اشاره شده است (Tiwari & Malati, 2023: 7).
 عوامل مؤثر و تسهیل کننده توانمندسازی شامل تحصیلات زنان (Kouadio & N'Guessan, 2024: 1049)، دسترسی به منابع مالی (Röger-Offergeld, Kurfer, & Brandl, 2023: 1236)، دسترسی به فناوری دیجیتال (Kilolo, Bah, & Mastaki, 2023: 1236)، شبکه های اجتماعی غیررسمی و مشارکت در فضاهای عمومی (Alizadeh et al., 2024: 10) است. از موانع ساختاری توانمندسازی زنان می توان به هنجارهای مردسالارانه (Saluja, Singh, & Kumar, 2023: 4)، قوانین تبعیض آمیز و کمبود زیرساخت های رفاهی (Tizchang et al., 2024: 31) اشاره کرد.

1. Nayak & Mahanta Model

2. Cattaneo & Chapman Model

از خلأهای پژوهشی موجود این است که ابزارها اغلب ابعاد روانی و اجتماعی را نادیده می‌گیرند (Rafiey et al., 2018: 1111). ابزارهای زمینه‌محور که با شرایط فرهنگی جوامعی مانند ایران تطابق داشته باشد (Saffari & Heidari, 2022: 833-834) وجود ندارد. ابزارها برای جوامع غیرایرانی طراحی شده‌اند و به ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی ایران توجه نکرده‌اند (Rafiey et al., 2018: 1110). مطالعات موجود اغلب تک‌بعدی (اقتصادی یا اجتماعی) بوده‌اند و از تعامل پیچیده ابعاد مختلف غافل‌اند (Sharaunga et al., 2019: 6). در نتیجه خلأ اصلی نیاز به ابزاری چندبعدی، زمینه‌محور و معتبر برای سنجش توانمندسازی زنان در جوامع فارسی‌زبان (به‌ویژه ایران) است (Saffari & Heidari, 2022: 833-835). توانمندسازی زنان نیازمند ابزارهایی چندبعدی است که هم‌زمان شاخص‌های جهانی (دسترسی به منابع) و زمینه‌محور (نگرش‌های فرهنگی) را پوشش دهد.

۲-۲. پیشینه تجربی

موسوی و همکاران (۲۰۲۵) به این نتیجه رسیدند که براساس آمار و ارقام موجود، قدم‌های مؤثری در زمینه توانمندسازی زنان در عرصه‌های گوناگون برداشته شده، اگرچه جامعه ایران هنوز در بسیاری از حوزه‌ها نیازمند توانمندسازی بیشتر زنان است. تیزچنگ و همکاران (۲۰۲۴) دریافتند که از نیمه دهه ۱۳۹۰ شمسی به این سو، با فراوانی چشمگیری از مطالعات حوزه توانمندسازی اقتصادی زنان مواجه بوده‌ایم که با پراکندگی رشته‌ای همراه بوده است. روش‌های مورد استفاده به‌طور عمده کمی و مبتنی بر پرسشنامه‌های بزرگ‌مقیاس هستند. نتایج یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد توانمندسازی اقتصادی، مقدمه‌ای برای شروع توسعه است. براساس یافته‌های پژوهش عظیمی و همکاران (۲۰۲۳) اهداف مدل مطلوب توانمندسازی باید شامل تحول در نگرش‌ها و عقاید زنان، توجه به ابعاد مختلف توانمندی، افزایش نقش عاملیت در توانمندی و بهبود ساختار فرصت باشد. برای توانمندسازی زنان اقداماتی شامل شناسایی وضعیت موجود، آموزش هدفمند و مستمر، تحول در اقدامات حمایتی، بازآفرینی ساختار برنامه‌ریزی، افزایش نقش آفرینان و پشتیبانان، ضروری تشخیص داده شد که به این ترتیب پیامدهایی شامل بازآفرینی نقش‌ها و تعیین مسئولیت‌ها، ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی در جامعه و دگرگونی در طراحی و تدوین برنامه‌های توانمندسازی را در پی خواهد داشت.

نتایج تحقیق کلهری و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد توانمندسازی اقتصادی با بهبود دسترسی مالی افزایش می‌یابد. صفاری و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی اعلام کردند در ایران امکان توانمندسازی زنان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و سیاسی از طریق مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ماجراجویانه وجود دارد. یافته‌های پژوهش مقدم و همکاران (۲۰۲۱) مدل چندبعدی توانمندسازی زنان را ارائه کرد که در آن عوامل و ابعاد مختلف اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و فردی-روان‌شناختی متقابلاً بر هم اثرگذارند و چگونگی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را تعیین می‌کنند. رفیعی و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که پرسشنامه محقق‌ساخته توانمندسازی زنان برخی از حوزه‌های اصلی توانمندسازی زنان مانند توانمندسازی روانی، اجتماعی، تصمیم‌گیری و جنسیتی را پوشش می‌دهند. همچنین اعتبار و پایایی ابزار توسعه‌یافته برای ارزیابی جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی، تصمیم‌گیری و جنسیتی توانمندسازی زنان به اندازه کافی است.

مک‌کارتی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) با تحلیل برنامه‌های چندبعدی به این نتیجه رسیدند که دسترسی به منابع مالی، عضویت در گروه‌های اجتماعی و کنترل بر درآمد، توانمندسازی اقتصادی زنان را تقویت می‌کند. چاترجی و پدار^۲ (۲۰۲۴) نیز مکانیسم‌هایی مانند سواد زنان و توانمندسازی اقتصادی را به‌عنوان راهکارهایی برای کاهش خشونت خانگی جهت توانمندسازی زنان معرفی

1. McCarthy et al.

2. Chatterjee & Poddar

کردند. یافته‌های پالاش^۱ و همکاران (۲۰۲۴) رابطه مثبت بین رفاه اقتصادی و توانمندسازی زنان را تأیید کرد. کوادیو^۲ و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده به‌عنوان یک متغیر توانمندسازی، ضروری است. تکیلدین^۳ (۲۰۲۳) با تأکید بر نقش سیاست به این نتیجه رسید که در مناطقی که بیشتر تحت تأثیر رویدادهای بهار عربی قرار گرفته‌اند، محققان افزایش چشمگیری در قدرت تصمیم‌گیری زنان کشف کرده‌اند؛ به‌طوری‌که در این مناطق توانمندسازی ۱۲ تا ۱۹ درصد رشد داشته است. راجر^۴ و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند که مشارکت در تحقیقات مشارکتی جامعه‌محور احساس ارزشمند بودن و شنیده شدن در زنان ایجاد می‌کند که گام مهمی در جهت توانمندسازی جامعه است.

اقتمیادو^۵ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای چندین نتیجه از توانمندسازی زنان از طریق میزبانی شناسایی کرد که منعکس‌کننده انواع توانمندسازی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی و روانی) است که ممکن است به‌دست آید. نتایج پژوهش ویدیاستوتی^۶ و همکاران (۲۰۲۴) حاکی از مشکلات اصلی توانمندسازی زنان بود که در هشت بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، آموزشی و آموزشی، حمایت دولتی، حمایت انجمن‌ها، حمایت علمی، حمایت از رسانه‌ها و حمایت بخش خصوصی تقسیم‌بندی می‌شود. تیواری^۷ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود، پنج سازه توانمندسازی زنان شامل توانمندسازی اقتصادی، سلامت و رفاه خانواده، توانمندسازی مدنی، توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی آموزشی را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی شناسایی کردند. شارونگا^۸ و همکاران (۲۰۱۹) توانمندسازی را در چهار حوزه اجتماعی، اقتصادی، مدنی و کشاورزی تعریف کردند. توانمندسازی اجتماعی شامل مشارکت در گروه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل، توانمندسازی اقتصادی با کنترل بر منابع مالی، توانمندسازی مدنی با آگاهی از حقوق قانونی و توانمندسازی روانی با عزت‌نفس و خودکارآمدی مرتبط است. والرئو^۹ و همکاران (۲۰۲۴) عوامل فرهنگی، اجتماعی و قانونی را در توانمندسازی زنان حیاتی دانستند و بر نیاز به سیاست‌های یکپارچه برای بهبود مشارکت اقتصادی زنان تأکید کردند. آرتی^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۳) نیز با تأکید بر پیچیدگی این فرایند، خواستار رویکردی چندوجهی شدند که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی و سیاسی را پوشش دهد. ماندال^{۱۱} (۲۰۲۰) مفهوم توانمندسازی زنان را از طریق ترسیم پنج طبقه‌بندی خاص ارائه کرد: سیاسی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و آموزشی.

در جدول ۱، تحلیل مقایسه‌ای پیشینه تجربی پژوهش‌های توانمندسازی زنان ارائه می‌شود.

جدول ۱. تحلیل مقایسه‌ای پیشینه تجربی پژوهش‌های توانمندسازی زنان

منبع	یافته کلیدی و ارزیابی کلی
موسوی و همکاران (۲۰۲۵)	پیشرفت‌های نسبی در توانمندسازی زنان ایران، همراه با چالش‌های باقی‌مانده تأکید بر نیاز به ابزار بومی برای ارزیابی دقیق
تیزچنگ و همکاران (۲۰۲۴)	تمرکز غالب مطالعات ایرانی بر ابعاد اقتصادی توانمندسازی زنان هشدار درباره غفلت از ابعاد روانی-اجتماعی در پژوهش‌های داخلی

1. Palash

2. Kouadio

3. Takieldin

4. Röger

5. Efthymiadou

6. Widiastuti

7. Tiwari

8. Sharaunga

9. Valerio

10. Aarti

11. Mandal

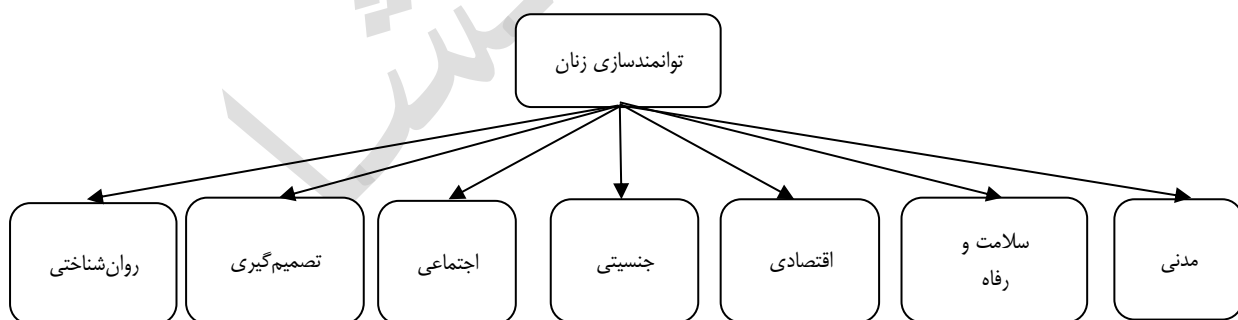
عظیمی و همکاران (۲۰۲۳)	ضرورت تحول نگرش‌ها و بهبود ساختار فرصت‌ها برای توانمندسازی همسو با طراحی چندبعدی پرسشنامه
کلهری و همکاران (۲۰۲۲)	توانمندسازی اقتصادی زنان با بهبود دسترسی مالی همسو با زیرمقیاس اقتصادی پرسشنامه
صفاری و همکاران (۲۰۲۲)	تقویت توانمندسازی زنان در ابعاد اجتماعی-اقتصادی با فعالیت‌های ماجراجویانه نمایش ضرورت توسعه ابزار بومی برای سنجش راهکارهای نوظهور
مقدم و همکاران (۲۰۲۱)	ارائه مدل چندبعدی تعامل‌پذیر (فردی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی) برای زنان سرپرست خانوار طراحی پرسشنامه یکپارچه
رفیعی و همکاران (۲۰۱۸)	پرسشنامه محقق‌ساخته برای سنجش ابعاد روانی-اجتماعی و تصمیم‌گیری با پایایی بالا پایه‌ای برای ارائه ابزاری جامع‌تر
مک‌کارتی و همکاران (۲۰۲۴)	افزایش توانمندسازی اقتصادی زنان با دسترسی مالی و کنترل بر درآمد تقویت اعتبار بعد اقتصادی
چترجی و پدار (۲۰۲۴)	سواد و توانمندسازی اقتصادی به‌عنوان راهکار کاهش خشونت خانگی حمایت از ادغام ابعاد اقتصادی-اجتماعی
پالاش و همکاران (۲۰۲۴)	رابطه مثبت رفاه اقتصادی و توانمندسازی زنان در جوامع ساحلی تأکید بر تلفیق شاخص‌های اقتصادی با ابعاد روانی-اجتماعی
کوادیو و همکاران (۲۰۲۴)	قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده، متغیر کلیدی توانمندسازی تقویت محتوای گویه‌های بعد تصمیم‌گیری
تکیلدین (۲۰۲۳)	افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان در مناطق تحت تأثیر بهار عربی و تأثیر مستقیم سیاست‌های کلان بر توانمندسازی سیاسی زنان تقویت گویه‌های بعد تصمیم‌گیری و مدنی در پرسشنامه
راجر و همکاران (۲۰۲۳)	تقویت احساس ارزشمندی زنان با مشارکت در پژوهش‌های جامعه‌محور تأیید اهمیت روش ترکیبی (کیفی-کمی) در افزایش اعتبار ابزار
افتمیادو (۲۰۲۴)	ایجاد ابعاد چندگانه توانمندسازی (اقتصادی-اجتماعی-آموزشی) با میزبانی گردشگران تأیید ضرورت پوشش ابعاد چندگانه
ویدیاستوتی و همکاران (۲۰۲۴)	طبقه‌بندی مشکلات اصلی توانمندسازی زنان در هشت بعد (اقتصادی، فرهنگی، حمایتی، رسانه‌ای و...) تأیید ضرورت پوشش ابعاد چندگانه
تیواری و همکاران (۲۰۲۳)	شناسایی پنج بعد (اقتصادی، سلامت، مدنی، اجتماعی، آموزشی) تأیید ضرورت بازنگری در گویه‌های بعد مدنی
شارونگا و همکاران (۲۰۱۹)	مدل چهاربعدی (اجتماعی، اقتصادی، مدنی، روانی) برای جوامع روستایی افزودن ابعاد «جنسیتی» و «سلامت-رفاه»
والریو و همکاران (۲۰۲۴)	عوامل فرهنگی و قوانین تبعیض‌آمیز، موانع اصلی توانمندسازی اقتصادی زنان در اندونزی و نیاز به سیاست‌های یکپارچه برای بهبود مشارکت اقتصادی تأیید ضرورت ادغام شاخص‌های زمینه‌محور (قوانین، هنجارها) در بعد اقتصادی
آرتی (۲۰۲۳)	ضرورت پوشش هم‌زمان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی و سیاسی برای توانمندسازی زنان افزودن بعد «سلامت و رفاه» و تأکید بر جامعیت ابعاد
ماندال (۲۰۲۰)	ارائه چارچوب پنج‌بعدی: سیاسی، اجتماعی، روانی، اقتصادی، آموزشی و طبقه‌بندی مفهومی بدون اعتبارسنجی تجربی پایه‌ای نظری برای طراحی خرده‌مقیاس‌های روان‌شناختی، مدنی و آموزشی

پژوهش‌های تجربی پیشین در سنجش توانمندسازی زنان، علی‌رغم شناسایی ابعاد کلیدی اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، سیاسی و روانی با سه چالش ساختاری مواجه بوده‌اند. نخست، تمرکز غالب بر شاخص‌های تک‌بعدی اقتصادی (مانند کنترل

منابع مالی) که تعامل پیچیده ابعاد روانی-اجتماعی نظیر عزت نفس، خودکارآمدی و نگرش های جنسیتی را نادیده گرفته است. دوم، کمبود ابزارهای بوم محور سازگار با ویژگی های فرهنگی-اجتماعی جوامع فارسی زبان (به ویژه ایران)، از جمله نقش ساختار خانواده در تصمیم گیری ها، هنجارهای مردسالارانه و موانع نهادی که به استفاده از ابزارهای ترجمه شده فاقد اعتبار فرهنگی منجر شده است. سوم، ضعف های روش شناختی در طراحی مطالعات، از جمله نادیده گرفتن متغیرهای زمینه ای مؤثر نظیر قوانین تبعیض آمیز و غفلت از سنجش ابعاد نوظهوری مانند سلامت و رفاه خانواده که در چارچوب های نظری جدید مورد تأکید قرار گرفته اند. این محدودیت ها امکان درک جامع از پویایی های توانمندسازی زنان در بافت های فرهنگی خاص را کاهش داده است. درمجموع تمامی این پژوهش ها بر این نکته توافق دارند که توانمندسازی زنان نیازمند ادغام ابعاد اقتصادی (دسترسی به منابع مالی)، اجتماعی (مشارکت در گروه ها)، آموزشی (آگاهی از حقوق)، روانی (عزت نفس) و سیاسی (مشارکت در تصمیم گیری) است.

۲-۳. مدل مفهومی

پژوهش حاضر با هدف پرکردن خلأهای نظری و روش شناختی در ابزارهای سنجش توانمندسازی زنان از جمله غفلت از ابعاد روانی-اجتماعی در مدل شولر (۲۰۱۰) و کمبود شاخص های زمینه محور در مدل شارونگا (۲۰۱۹) مدل هفت بعدی توانمندسازی زنان را طراحی کرده است. این امر با تلفیق چارچوب های کلیدی مانند نظریه منابع-عاملیت کبیر (۱۹۹۹)، مدل چرخشی اهداف-اقدامات-پیامدهای کاتانتو و چاپمن (۲۰۱۰) و مدل چندبعدی شارونگا (۲۰۱۹) صورت گرفته است. این مدل با افزودن دو بعد «جنسیتی» (سنجش نگرش مردان خانواده به نقش های اجتماعی زنان) و «سلامت و رفاه خانواده» (تمرکز بر برنامه ریزی خانوادگی و تربیت بدون تبعیض) و بومی سازی گویه ها در چارچوب فرهنگی ایران، نه تنها شکاف اندازه گیری در ابزارهای پیشین را پر می کند، بلکه با پوشش هم زمان ابعاد جهانی (اقتصادی، سیاسی) و زمینه ای (هنجارهای جنسیتی، قوانین محلی)، چارچوبی جامع برای سنجش توانمندسازی در جوامع فارسی زبان ارائه می دهد و مدل مفهومی این پژوهش را نشان می دهد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی توانمندسازی زنان

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) است. ابتدا از روش های کیفی (بررسی پیشینه، مصاحبه و مشاوره با متخصصان) برای طراحی اولیه پرسشنامه استفاده و در ادامه از روش های کمی (تحلیل عاملی اکتشافی و پایایی سنجی) بهره گرفته شد.

این مطالعه در سه مرحله متوالی انجام گرفت تا پرسشنامه توانمندسازی به صورت روا، پایا و مناسب برای زنان ایرانی به دست آید. مرحله اول شامل بررسی ادبیات، انجام مصاحبه و مشاوره با متخصصان و استادان بود. برای ایجاد یک چارچوب اساسی برای ابزار، مروری جامع بر پیشینه انجام شد. پس از مرور نظام‌مند ادبیات و تحلیل چارچوب‌های نظری موجود (Kabeer, 1999; Schuler et al., 2010; Cattaneo & Chapman, 2010)، مدل مفهومی پژوهش طراحی شد. این مدل پایه‌ای برای تولید گویه‌های اولیه بود و ابعاد روان‌شناختی، تصمیم‌گیری، اجتماعی، جنسیتی، اقتصادی، سلامت و رفاه خانواده و مدنی را شامل می‌شد. راهبرد تولید گویه‌ها شناسایی، ارزیابی و اصلاح گویه‌های موجود براساس پیشینه است. چندین پایگاه الکترونیکی از جمله Science Direct، Google Scholar، ProQuest، Science Direct، Taylor، Francis Online، Web of Science و Science Direct برای این منظور جستجو شدند. در مرحله جستجو از کلیدواژه‌های توانمندسازی، پرسشنامه یا ابزار، زن یا زنان استفاده شد.

ابتدا اهداف آزمون برای کارشناسان توضیح داده شد و تعاریف عملیاتی مرتبط با محتوای سؤالات بیان شد. سپس از آن‌ها خواسته شد به هر سؤال در مقیاس لیکرت سه‌درجه‌ای به این صورت امتیاز دهند که «گویه ضروری است»، «گویه مفید است»، ولی ضروری نیست یا «گویه ضرورتی ندارد».

برای تعیین روایی محتوای پرسشنامه، از نظرات خبرگان متشکل از ۱۴ متخصص استفاده شد. این افراد پیش‌نویس اولیه گویه‌ها را از نظر ارتباط و وضوح ارزیابی کردند. سپس با جمع‌آوری نظرات آنان، نسبت روایی محتوایی (CVR) برای هر سؤال محاسبه شد. حداقل مقدار قابل قبول این شاخص با توجه به تعداد ارزیابان و بر مبنای جدول لاوشه^۱ تعیین شد. در نهایت، سؤالاتی که مقدار CVR آن‌ها کمتر از مقدار ملاک است، از مجموعه سؤالات حذف شدند.

برای سنجش اعتبار پرسشنامه نیز از شاخص روایی محتوا CVI استفاده می‌شود. برای محاسبه CVI از کارشناسان خواسته می‌شود تا درجه ارتباط هر مورد را تعیین کنند. در این مطالعه موارد با CVI بالاتر از ۰/۷۹ مناسب در نظر گرفته شد. مواردی که بین ۰/۷۰ و ۰/۷۹ رتبه‌بندی شده بودند تصحیح و موارد با CVI کمتر از ۰/۷۰ حذف شدند. مجموعه اصلی برای استفاده در پرسشنامه نهایی این گویه‌ها براساس لیکرت^۲ هفت‌درجه‌ای از به شدت موافقم (۱) تا به شدت مخالفم (۷) مقیاس‌بندی شدند. برای تعیین روایی صوری پرسشنامه، یک فرم ارزیابی ایجاد شد تا پاسخ‌دهندگان بتوانند وضوح عبارات و احتمال این را که بتوانند به هر سؤال پاسخ دهند ارزیابی کنند. این پرسشنامه عمدتاً بین ۳۰ زن به صورت آزمایشی اجرا شد. هدف از این فرایند شناسایی درک آن‌ها از موارد، تجزیه و تحلیل مرتبط بودن موارد، تعیین اینکه آیا موارد اضافی باید گنجانده شود یا خیر و ارزیابی قابل فهم بودن و کاربردی بودن پرسشنامه برای زنان بود.

در مرحله دوم، اعتبار سازه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی (تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دنبال چرخش واریمکس^۳) برای بررسی ساختار پرسشنامه بررسی شد. تحلیل عاملی اکتشافی مبتنی بر داده‌کاوی است؛ بنابراین به حجم نمونه بسیار زیادی نیاز دارد. برای اطمینان از کافی بودن حجم نمونه از آزمون بارتلت و شاخص KMO استفاده شد. شاخص کفایت نمونه Kaiser-Mayer-Olkin یا به اختصار آزمون KMO ویژه تحلیل عاملی اکتشافی است و نشان می‌دهد آیا داده‌ها برای انجام محاسبات تحلیل عاملی اکتشافی کافی است یا خیر. در مرحله سوم، پایایی پرسشنامه با همسانی درونی سنجیده شد. برای ارزیابی همسانی درونی از ضریب آلفای کرونباخ^۴ استفاده شد.

1. Lauche

2. Likert

3. Varimax

4. Cronbach

جامعه هدف، زنان ایرانی ۱۵ سال به بالا در مناطق شهری و روستایی ایران هستند. ابتدا توزیع جمعیتی استان‌های ایران براساس آخرین آمار رسمی مرکز آمار ایران استخراج شد. این آمار سهم جمعیتی هر منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) را مشخص می‌کند (جدول ۲). ابتدا با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، مناطق به‌عنوان خوشه در نظر گرفته شدند و پرسشنامه‌ها متناسب با توزیع جمعیتی مناطق در سطح ملی توزیع شد. برای توزیع نهایی از روش نمونه‌گیری در دسترس بهره گرفته شد و پرسشنامه‌ها در میان نمونه‌های متشکل از ۸۰۰ نفر به‌صورت آنلاین توزیع شدند. سپس به‌دلیل چالش‌های دسترسی آنلاین، اگر منطقه‌ای به سهم تعیین‌شده نرسیده بود، برای جبران کمبود نمونه در برخی مناطق با تمرکز بر آن منطقه، برای مثال از طریق شبکه‌های اجتماعی محلی، نمونه‌گیری هدفمند انجام شد.

جدول ۲. تعداد نمونه‌ها در مناطق پنج‌گانه ایران

منطقه	تعداد براساس درصد جمعیتی هر منطقه
غرب	۱۷۲
شرق	۱۰۸
مرکز	۲۸۰
شمال	۷۷
جنوب	۱۶۴

در انتها داده‌های جمع‌آوری‌شده از پرسشنامه ۳۶ گویه‌ای چندبعدی طراحی‌شده به همراه سؤالات جمعیت‌شناختی از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ تجزیه و تحلیل شدند. کسب رضایت آگاهانه از پاسخ‌دهندگان، حفظ محرمانگی اطلاعات و عدم افشای هویت پاسخ‌دهندگان، اجتناب از سؤالات حساسیت‌برانگیز و رعایت احترام به ارزش‌های فرهنگی جامعه از ملاحظات اخلاقی این پژوهش است.

۴. یافته‌های پژوهش

بعد از مرحله اول و بررسی ادبیات، ۷۹ سؤال برای پرسشنامه طراحی شد. مدل پیشنهادی و گویه‌های استخراج‌شده از آن، در اختیار ۱۴ متخصص قرار گرفت. معیارهای ارزیابی شامل انطباق ابعاد با چارچوب‌های نظری، تناسب گویه‌ها با بافت فرهنگی ایران و جامعیت مدل در پوشش ابعاد توانمندسازی زنان بود.

پس از دریافت نظرات کارشناسان و استادان، ۴۲ سؤال به‌دلیل کسب‌نکردن امتیاز مناسب CVR و CVI از پرسشنامه حذف شدند. طبق جدول لاووشه که در جدول ۳ نشان داده شده، وقتی ۱۴ متخصص وجود دارد، مقدار عددی CVR برابر با ۰/۵۱ است.

جدول ۳. جدول لاووشه

تعداد خبرگان	مقدار CVR	تعداد خبرگان	مقدار CVR	تعداد خبرگان	مقدار CVR
--------------	-----------	--------------	-----------	--------------	-----------

۰/۳۷	۱۷	۰/۵۹	۱۱	۰/۹۹	۵
۰/۳۳	۱۸	۰/۵۶	۱۲	۰/۹۹	۶
۰/۳۱	۱۹	۰/۵۴	۱۳	۰/۹۹	۷
۰/۲۹	۲۰	۰/۵۱	۱۴	۰/۷۸	۸
-	-	۰/۴۹	۱۵	۰/۷۵	۹
-	-	۰/۴۲	۱۶	۰/۶۲	۱۰

منبع: حبیبی (۲۰۲۲)

بعد از نظرخواهی از کارشناسان دربارهٔ مرتبط بودن و وضوح سؤالات پیشنهادی، پیش‌نویس نهایی پرسشنامه با ۳۷ سؤال تهیه شد. پرسشنامه از روایی صوری کافی برخوردار بود. برای آزمون این روایی، ۳۰ شرکت‌کننده در مطالعهٔ مقدماتی حضور داشتند. ۹۵ درصد شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که سؤالات را درک می‌کنند، پاسخ‌دادن به آن‌ها را آسان می‌دانند و سؤالات برای مخاطب هدف، قابل قبول است. پس از انجام اصلاحات جزئی پیشنهادشده توسط شرکت‌کنندگان، پرسشنامه برای تحلیل‌عاملی آماده شد.

در مرحلهٔ دوم، کفایت نمونه برای استخراج فاکتورها از طریق تجزیه و تحلیل ماتریس همبستگی، از طریق آزمون‌های KMO و بارتلت^۱ تأیید شد. جدول ۴ نشان می‌دهد برای KMO مقدار ۰/۸۸۳ به دست آمد؛ بنابراین، گویه‌های مربوط به توانمندسازی زنان برای انجام یک تحلیل‌عاملی اکتشافی مناسب است. آزمون بارتلت اهمیت همبستگی کلی را بین گویه‌های مورد استفاده برای تحلیل‌عاملی اکتشافی آزمایش می‌کند که برابر با ۱۰۶۳۵/۹۶۳، $P < ۰/۰۰۱$ به دست آمد. این رقم نشان می‌دهد تحلیل‌عاملی اکتشافی می‌تواند در مجموعه داده‌شده انجام شود.

جدول ۴. تست کفایت نمونه‌گیری KMO و بارتلت

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy		۰/۸۸۳
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۱۰۶۳۵/۹۶۳
	df	۶۶۶
	.Sig	۰/۰۰۰

طبق یافته‌های پژوهش، چرخش واریمکس ۹ عامل را با مقادیر ویژه بالاتر از یک نشان داد. با بررسی هم‌زمان آلفای کرونباخ برای هر زیرمقیاس و با توجه به حذف و اضافات سؤالات هر زیرمقیاس، طبق پیشنهاد تحلیل‌عاملی اکتشافی، دو زیرمقیاس حذف شدند و سؤالات آن‌ها به زیرمقیاس‌های مرتبط دیگر منتقل شد. در نهایت ۷ عامل به‌عنوان زیرمقیاس‌های توانمندسازی تعیین شدند. این عوامل براساس ویژگی‌های اقلیمی که زیر هر عامل براساس بارهای عاملی قرار گرفته بودند، با نام‌های توانمندسازی روان‌شناختی، تصمیم‌گیری، اجتماعی، جنسیتی، اقتصادی، سلامت و رفاه، و مدنی برچسب‌گذاری شدند. در میان ۳۷ گویهٔ پرسشنامه، یک مورد بارگذاری قابل‌توجهی در هیچ‌یک از هفت خرده‌مقیاس به‌دست نیاورد و بنابراین، پرسشنامهٔ نهایی شامل ۳۶ گویه شد. طبق جدول ۵، خرده‌مقیاس‌های شناسایی‌شده ۵۹ درصد از واریانس داده‌ها را به خود اختصاص داد که برای یک پرسشنامه منطقی است.

1. Bartlett

طبق جدول ۵ پرسشنامه نهایی شامل هفت دسته گویه به شرح زیر بود:

توانمندسازی روان شناختی: این عامل به تنهایی ۷ درصد از تنوع کلی داده‌ها را توضیح می‌دهد. توانمندسازی روان شناختی شامل شش مورد از پرسشنامه نهایی است و اطلاعاتی درمورد احساس کنترل درک شده، شایستگی و خودکارآمدی ارائه می‌دهد؛ توانمندسازی تصمیم‌گیری: این عامل ۸/۹ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده و شامل پنج مورد است. این مورد بر توانایی زنان در تصمیم‌گیری تمرکز دارد؛

توانمندسازی اجتماعی: به فرایند ایجاد احساس خودمختاری و اقدام فردی و جمعی برای مشارکت در روابط اجتماعی اشاره دارد. این عامل شامل ۸ گویه است و ۱۴/۹ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده است؛

توانمندسازی جنسیتی: ۸/۳ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده و شامل چهار گویه است. توانمندسازی جنسیتی به برابری زن و مرد و مشارکت در فعالیت‌هایی غیر از خانه‌داری اشاره دارد؛

توانمندسازی اقتصادی: این عامل ۸/۹ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده و شامل پنج مورد است. این مورد بر توانایی زنان بر کنترل بر مسائل مالی و حمایت اقتصادی تمرکز دارد؛

توانمندسازی سلامت و رفاه خانواده: ۵ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده و شامل چهار مورد است. این مورد بر سلامت خانواده و عدم تبعیض تأکید دارد؛

توانمندسازی مدنی: ۴ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده و شامل چهار مورد است. این مورد بر آگاهی زنان از حقوق قانونی خود اشاره دارد.

جدول ۵. تحلیل عاملی اکتشافی

زیرمقیاس	تعداد گویه‌ها	مقدار ویژه	مقدار ویژه بعد از چرخش	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
توانمندسازی روان شناختی	۶	۱/۵۲	۲/۶۲	۷	۷
توانمندسازی تصمیم‌گیری	۵	۸/۷۱	۳/۲۹	۸/۹	۱۵/۹
توانمندسازی اجتماعی	۸	۳/۹	۵/۵۲	۱۴/۹	۳۰/۸
توانمندسازی جنسیتی	۴	۲/۴۷	۳/۰۸	۸/۳	۳۹/۱
توانمندسازی اقتصادی	۵	۲/۳۶	۳/۳۳	۸/۹	۴۸
توانمندسازی سلامت و رفاه خانواده	۴	۱/۲۷	۱/۷۸	۵	۵۳
توانمندسازی مدنی	۴	۱/۰۴	۱/۵۱	۴	۵۹

با زیرمقیاس‌های پرسشنامه و سؤالات مربوط به هر زیرمقیاس که بعد از تأیید خبرگان در پرسشنامه نهایی گنجانده شد، پرسشنامه‌ای ۳۶ گویه‌ای برای سنجش توانمندسازی زنان ارائه می‌شود (جدول ۶).

جدول ۶. زیرمقیاس‌های پرسشنامه و سؤالات مربوط به هر زیرمقیاس

زیرمقیاس‌ها	گویه‌ها
توانمندسازی	می‌توانم هم‌زمان در داخل و خارج از منزل کار کنم.

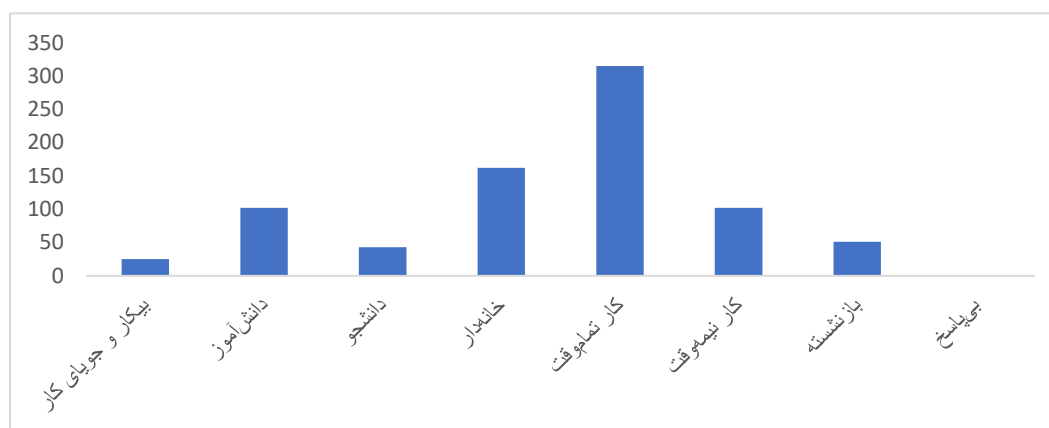
در انجام کار به خوبی مردان نیستیم. می‌توانم با سختی کنار بیایم. درمورد توانایی‌ام برای انجام کار مطمئن هستم. کارهایم را قبل از اینکه آن‌ها را تمام کنم رها می‌کنم. از رویارویی با مشکلات اجتناب می‌کنم.	روان‌شناختی
درمورد پس‌انداز و تصمیمات سرمایه‌گذاری مالی به‌طور فردی و بدون تحمیل نظر اعضای خانواده فعالیت می‌کنم. در تصمیمات مرتبط با سلامتی (انتخاب و مراجعه به پزشک) به‌طور فردی و بدون تحمیل نظر اعضای خانواده فعالیت می‌کنم. در تصمیم برای ازدواج خود یا فرزندان به‌طور فردی و بدون تحمیل نظر اعضای خانواده فعالیت می‌کنم. در تصمیم‌گیری درمورد تحصیلات خود یا فرزندان به‌طور فردی و بدون تحمیل نظر اعضای خانواده فعالیت می‌کنم. در مشارکت‌های سیاسی و مشارکت در سازمان‌های مختلف اجتماعی به‌طور فردی و بدون تحمیل نظر اعضای خانواده فعالیت می‌کنم.	توانمندسازی تصمیم‌گیری
افراد جامعه، مرا با ارزش می‌شناسند. علاوه بر پدر و مادر و همسر، اقوام من نیز از پیشنهادهای من استفاده می‌کنند. می‌توانم برای خانواده‌ام تصمیم بگیرم. اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌های حیاتی برای من ارزش قائل می‌شوند. من با همسایه‌ها رابطه صمیمی دارم و درمورد امورم با آن‌ها مشورت می‌کنم. من به راحتی در فعالیت‌های اجتماعی یا مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کنم. با انجمن‌های خیریه یا سازمان‌های غیردولتی (NGO) مثل گروه‌های مختلف درون مساجد در ارتباط هستم. در خرید روزانه، رفتن به بازار، مراجعه به دکتر یا اجتماعات عمومی، به راحتی حضور دارم.	توانمندسازی اجتماعی
مردان خانواده ما با حقوق زنان در خانواده موافق هستند. مردان خانواده ما با برابری زن و مرد در جامعه موافق هستند. مردان خانواده ما با اشتغال زنان برای کسب درآمد و مشارکت زنان در جامعه موافق هستند. مردان خانواده ما با ضرورت تحصیلات دانشگاهی برای زنان موافق هستند.	توانمندسازی جنسیتی
من قادر به حمایت مالی از خانواده هستم. توانایی من برای تصمیم‌گیری درمورد استفاده از پول/اعتبار افزایش یافته است. در زمان بحران اقتصادی، می‌توانم از خانواده‌ام حمایت کنم. من می‌توانم دارایی‌های شخصی را افزایش دهم. فقط نقش مادری و همسری دارم.	توانمندسازی اقتصادی
من و شوهرم برای بودجه خانواده برنامه‌ریزی می‌کنیم و هر زمان که تصمیم مالی مهمی باید گرفته شود، با من نیز مشورت می‌شود. فرزندمان را بدون تبعیض بین پسر و دختر تربیت می‌کنم. به برابری دختر و پسر (در انتخاب شغل، تقسیم کار خانه، انتخاب نوع رشته تحصیلی، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، انتخاب همسر و...) اعتقاد دارم. من و شوهرم آزادانه درمورد تنظیم خانواده (تعداد فرزندان و برنامه‌ریزی بارداری) بحث می‌کنیم.	توانمندسازی سلامت و رفاه خانواده
من از حقوق و امتیازاتی که قانون اساسی برای زنان در نظر گرفته آگاه هستم. دیگران را به مبارزه با خشونت علیه زنان، استثمار و سایر مشکلات زنان تشویق می‌کنم. اطلاعات مورد نیاز خود (مثلاً مربوط به کشور، مسائل زنان، تحصیلات، شغل و...) را از طریق افراد مطلع به دست می‌آورم. اطلاعات مورد نیاز خود (مثلاً مربوط به کشور، مسائل زنان، تحصیلات، شغل و...) را از طریق شبکه‌های اجتماعی (مانند تلگرام، واتس‌آپ، ایتا و...) یا با جستجو در اینترنت به دست می‌آورم.	توانمندسازی مدنی

مدل مفهومی توانمندسازی زنان (هفت بعدی) که بر مبنای چارچوب‌های نظری (مثل کبیر، شولر) ارائه شدف در ادامه از طریق داده‌های کیفی (مصاحبه با خبرگان) و براساس داده‌های میدانی از ۸۰۰ زن ایرانی (شهری و روستایی) و با روش‌شناسی ترکیبی ایجاد شد. این ساختار هفت بعدی در مرحله تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) آزمون و تأیید شد. در مرحله سوم، مطابق با آنچه جدول ۷ نشان می‌دهد، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ که همسانی درونی آن را تأیید می‌کند و برای خرده‌مقیاس توانمندسازی روان‌شناختی، تصمیم‌گیری، اجتماعی، جنسیتی، اقتصادی، سلامت و رفاه خانواده و مدنی به ترتیب ۰/۷، ۰/۸۵، ۰/۸، ۰/۸۵، ۰/۷۵، ۰/۷ و ۰/۵ بود. این مقادیر حاکی از همبستگی قابل‌اعتماد زیاد بین هر گویه و کل پرسشنامه است، ولی نظر به اهمیت توانمندسازی مدنی، این بعد با وجود عدد ۰/۵۰ به‌عنوان ضریب آلفای کرونباخ در پرسشنامه نهایی حفظ شد تا بر بررسی بیشتر این زیرمقیاس تأکید شود.

جدول ۷. ارزیابی همسانی درونی با آلفای کرونباخ

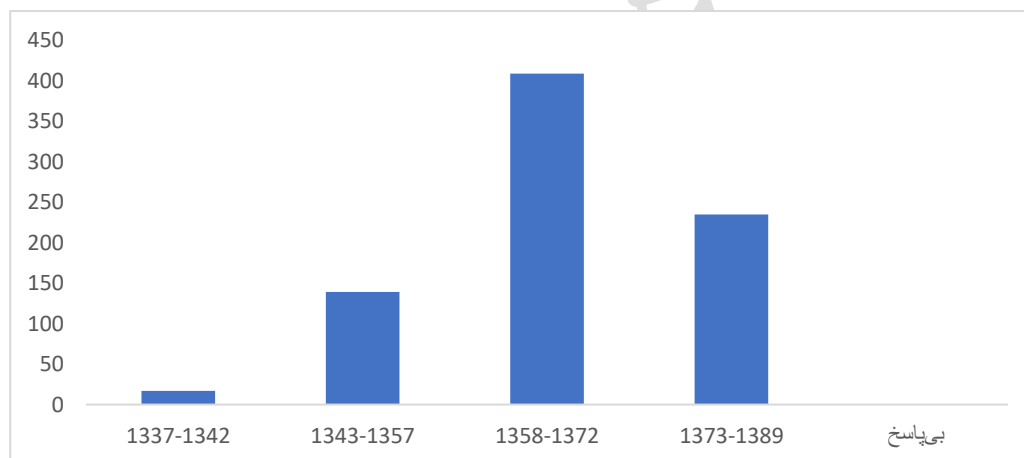
تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	زیرمقیاس
۶	۰/۷	توانمندسازی روان‌شناختی
۵	۰/۸۵	توانمندسازی تصمیم‌گیری
۸	۰/۸	توانمندسازی اجتماعی
۴	۰/۸۵	توانمندسازی جنسیتی
۵	۰/۷۵	توانمندسازی اقتصادی
۴	۰/۷	توانمندسازی سلامت و رفاه خانواده
۴	۰/۵	توانمندسازی مدنی
۳۶	۰/۸۳	کلی

اعتبار و پایایی ابزار توسعه‌یافته برای ارزیابی جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی، تصمیم‌گیری، اقتصادی، سلامت و رفاه خانواده و جنسیتی توانمندسازی زنان به اندازه کافی است. طبق نتایج آزمون آماری در شکل ۲، نیمی از شرکت‌کنندگان دارای کار تمام‌وقت یا نیمه‌وقت و نیمی دیگر بیکار، دانش‌آموز، دانشجو، خانه‌دار یا بازنشسته هستند.



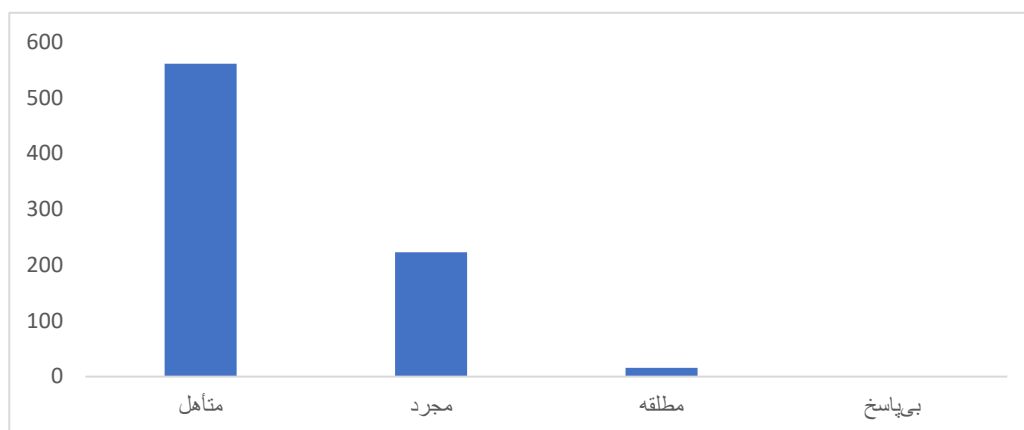
شکل ۲. وضعیت اشتغال شرکت کنندگان

مطابق شکل ۳، ۴۹ درصد شرکت کنندگان ۳۱ تا ۴۵ سال، ۳۰ درصد ۱۵ تا ۳۰ سال، ۱۸ درصد ۴۶ تا ۶۰ سال و حدود ۳ درصد ۶۰ تا ۶۵ دارند.



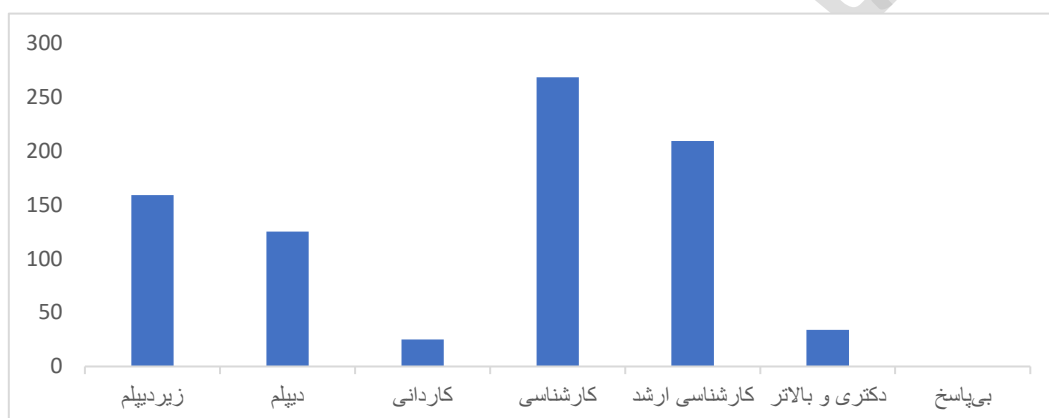
شکل ۳. درصد شرکت کنندگان به تفکیک رده سنی

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، بیشتر شرکت کنندگان (۶۹ درصد) متأهل هستند.



شکل ۴. وضعیت تأهل شرکت کنندگان

شکل ۵ نشان می دهد حجم قابل توجهی از شرکت کنندگان دارای تحصیلات دانشگاهی (۶۸ درصد) و ۳۲ درصد دیپلم و زیر دیپلم داشتند.



شکل ۵. وضعیت تحصیلات شرکت کنندگان

۵. بحث

در این پژوهش، ابزاری جامع برای سنجش توانمندسازی زنان در بافت فرهنگی-اجتماعی ایران ارائه شده است. یافته ها نشان می دهد پرسشنامه ۳۶ گویه ای نهایی با هفت بعد روان شناختی، تصمیم گیری، اجتماعی، جنسیتی، اقتصادی، سلامت و رفاه خانواده و مدنی، شکاف موجود در ابزارهای پیشین را پر می کند. این چارچوب چندبعدی نه تنها با مدل های جهانی (مانند کبیر و شولر) همسو است، بلکه با افزودن ابعاد «جنسیتی» (سنجش نگرش مردان خانواده) و «سلامت و رفاه» (شامل برنامه ریزی خانوادگی و تربیت بدون تبعیض)، ویژگی های منحصر به فرد جامعه ایران را پوشش می دهد. پایایی کلی ابزار (آلفای کرونباخ ۰.۸۳) و روایی سازه آن (۵۹ درصد) تأیید می کند که این پرسشنامه از قابلیت اطمینان و اعتبار علمی برخوردار است. مدل کبیر (۱۹۹۹) با تأکید بر سه ضلعی «منابع-عاملیت-دستاوردها» در بعد اقتصادی ابزار حاضر تأیید می شود (همسو با گویه های کنترل درآمد و دارایی)، اما یافته ها نشان می دهد دستاوردهای غیرمادی مانند سلامت خانواده و تاب آوری روان شناختی که در این مدل مغفول مانده بود، سهم تعیین کننده ای در توانمندسازی زنان ایران دارد. مدل شولر (۲۰۱۰) اگرچه در

شاخص‌هایی مانند مشارکت در تصمیم‌گیری و دسترسی به رسانه با ابزار ما هم‌پوشانی دارد، اما غفلت آن از سازه‌های روان‌شناختی (مانند خودکارآمدی و مقاومت در برابر مشکلات) که در پژوهش حاضر با شش گویه و پایایی ۰/۷۰ به‌عنوان پیش‌نیاز توانمندسازی شناسایی شد، نقصانی جدی محسوب می‌شود. در مقابل، مدل پنج‌بعدی شارونگا (۲۰۱۹) با تمرکز انحصاری بر ابعاد کشاورزی در جوامع روستایی، از سنجش «ساختار قدرت درون‌خانواده» غافل مانده است؛ امری که در بعد جنسیتی ابزار ما با گویه‌هایی مانند «مخالفت مردان خانواده با تحصیلات عالی زنان» پوشش یافته است. مدل چرخشی کاتانتو و چاپمن (۲۰۱۰) با تأیید فرایند پلکانی توانمندسازی (روان‌شناختی ← تصمیم‌گیری ← اقتصادی ← مدنی) با نتایج پژوهش حاضر هم‌راستا است، اما کشف ابعادی مانند سلامت خانواده به‌عنوان فیلتری که اثر سیاست‌های کلان را بر این چرخه تنظیم می‌کند، افق جدیدی به این چارچوب می‌افزاید.

رفیعی و همکاران (۲۰۱۸) اشاره کردند که ابزارهای موجود در سنجش ابعاد روانی و اجتماعی ضعف دارند. این مطالعه با طراحی گویه‌های مرتبط با توانمندسازی روان‌شناختی (آلفای کرونباخ ۰/۷) و توانمندسازی اجتماعی (آلفای کرونباخ ۰/۸)، این نقیصه را برطرف کرده است. این دستاورد، ضعف ساختاری پرسشنامه‌های تک‌بعدی را که تیزچنگ و همکاران (۱۴۰۳) در فراتحلیل خود در مطالعات اقتصادی ایران تأکید کرده بودند، جبران می‌کند. از سوی دیگر، یافته‌های حاضر با مطالعه عظیمی و همکاران (۱۴۰۲) دربارهٔ ضرورت «تحول نگرش‌های جنسیتی» همسو است؛ آنجا که بعد جنسیتی ابزار ما (۴ گویه، $\alpha=0/85$) با شاخص‌هایی مانند «مخالفت مردان خانواده با اشتغال زنان»، دقیقاً همان خلأ نظری‌ای را پر می‌کند که آنان به‌عنوان مانع اصلی توانمندسازی روستاییان شناسایی کرده بودند.

در زمینهٔ راهکارهای نوظهور، اگرچه صفاری و همکاران (۱۴۰۱) بر نقش فعالیت‌های ماجراجویانه تأکید داشتند، ابزار حاضر این مفهوم را در قالب گویه‌های عاملیت فضایی «حضور آزادانه در اجتماعات عمومی» در بعد اجتماعی (هشت گویه) ادغام کرده است. این رویکرد، نگرش مقدم و همکاران (۱۴۰۰) را دربارهٔ لزوم تلفیق سطوح خرد و کلان در مدل‌های توانمندسازی تأیید می‌کند؛ چنان‌که تعامل پویای روان‌شناختی ← تصمیم‌گیری ← اقتصادی در یافته‌های ما، بازتاب عینی الگوی تعاملی ایشان برای زنان سرپرست خانوار است. با این حال، چالش مشترکی با پژوهش کلهری و همکاران (۱۴۰۱) در زمینهٔ ضعف سنجش مؤلفه‌های مدنی باقی می‌ماند. همان‌گونه که ضریب آلفای زیرمطلوب بعد مدنی ($\alpha=0/05$) در ابزار حاضر نشان می‌دهد، ناتوانی در عملیاتی سازی شاخص‌هایی مانند «مشارکت در نهادهای محلی» که در مطالعات ایشان نیز به‌عنوان خلأ مطرح شد، نیاز به بازنگری دارد.

نواوری کلیدی این پژوهش در مقایسه با مطالعات فارسی ارائه‌شده، تلفیق سنجۀ نگرش مردان خانواده به‌عنوان متغیر تعیین‌کننده است. این شاخص که در پاسخ به هشدار صفاری و حیدری (۱۴۰۲) دربارهٔ تأثیر موانع فرهنگی طراحی شد، نه‌تنها نقیصۀ مدل‌های وارداتی (مانند شولر ۲۰۱۰) را جبران می‌کند، بلکه داده‌هایی انضمامی برای سیاست‌گذاری فراهم می‌آورد؛ برای مثال، کشف ارتباط معکوس بین «مخالفت مردان با تحصیلات عالی زنان» و نمرۀ توانمندسازی اقتصادی، مستندسازی علمی برای ضرورت اجرای کمپین‌های تغییر نگرش مردان، آن‌گونه که عظیمی (۱۴۰۲) پیشنهاد داده بود، ارائه می‌دهد. این پیشرفت، گامی فراتر از مطالعاتی مانند رفیعی (۱۳۹۷) است که صرفاً به ضرورت توجه به زمینه‌های فرهنگی اشاره داشتند، بی‌آنکه آن را در قالب گویه‌های قابل‌سنجش عملیاتی کنند.

مطالعهٔ شارونگا و همکاران (۲۰۱۹) مدلی پنج‌بعدی (اجتماعی، مدنی، اقتصادی، روانی و کشاورزی) ارائه کرده بود. در مقابل، ابزار حاضر هفت بعد روان‌شناختی، تصمیم‌گیری، اجتماعی، جنسیتی، اقتصادی، سلامت و رفاه خانواده و مدنی را پوشش می‌دهد. این افزودن ابعاد «سلامت و رفاه خانواده» و «جنسیتی» نشان‌دهندۀ جامعیت بیشتر و تطابق با نیازهای بومی جوامع فارسی‌زبان است. تیواری و همکاران (۲۰۲۳) پنج بعد اقتصادی، سلامت، مدنی، اجتماعی، آموزشی را تأیید کردند. پژوهش حاضر با افزودن

بعد «تصمیم‌گیری» (کنترل بر امور مالی، سلامت و تحصیلات) و «جنسیتی»، بر نقش عاملیت فردی زنان در بافت‌های مردسالارانه تأکید دارد. زیرمقیاس توانمندسازی مدنی با آلفای کرونباخ ۰/۵، پایایی اندکی دارد که مشابه چالش‌های مطرح‌شده در مطالعه تیواری و همکاران (۲۰۲۳) است. این موضوع نیاز به بازبینی گویه‌ها یا افزودن سؤالات مرتبط‌تر را نشان می‌دهد. والریو و همکاران (۲۰۲۴) بر اهمیت عوامل فرهنگی در توانمندسازی اقتصادی تأکید داشتند. ابزار حاضر با گنجاندن گویه‌هایی مانند «موافقت مردان خانواده با اشتغال زنان» (بعد جنسیتی)، این نگرش را به‌صورت عینی اندازه‌گیری می‌کند. پالاش و همکاران (۲۰۲۴) رابطه مثبت بین رفاه اقتصادی و توانمندسازی زنان را تأیید کردند. در این پژوهش نیز زیرمقیاس توانمندسازی اقتصادی (با آلفای کرونباخ ۰/۷۵) به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی شناسایی شد که همسو با یافته‌های پیشین است. پدار و چاترجی (۲۰۲۴) بر نقش ابعاد اقتصادی و اجتماعی در کاهش خشونت خانگی تمرکز داشتند. ابزار حاضر با در نظر گرفتن این ابعاد، امکان ارزیابی تأثیر برنامه‌های توسعه‌ای بر کاهش نابرابری‌ها را فراهم می‌کند.

ابزار حاضر برای جوامع فارسی‌زبان طراحی شده، اما تطبیق‌پذیری آن با کشورهایمانند افغانستان و تاجیکستان نیاز به مطالعات اعتباریابی بیشتر دارد؛ مشابه رویکرد ویدیاستوتی و همکاران (۲۰۲۴) که بر اهمیت زمینه فرهنگی تأکید کردند. استفاده از روش ترکیبی کیفی-کمی در این مطالعه، مشابه پژوهش راجر و همکاران (۲۰۲۳) است که مشارکت جامعه هدف را برای افزایش اعتبار ابزار ضروری می‌دانند. این رویکرد در مقایسه با مطالعات تک‌روشی مانند کوادیو و همکاران (۲۰۲۴)، داده‌های غنی‌تر و کاربردی‌تری تولید کرده است. نمونه بزرگ و متنوع با مشارکت ۸۰۰ زن شهری و روستایی، از نظر جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل) نماینده‌ای بهتر از مطالعاتی مانند مک‌کارتی و همکاران (۲۰۲۴) است که فقط بر زنان روستایی تمرکز داشتند.

ضریب آلفای کرونباخ کلی در این پژوهش (۰/۸۳) در مقایسه با مطالعاتی مانند تکیلیدین (۲۰۲۳) که پایایی ۰/۷۵ را گزارش کرده‌اند، بهبود قابل توجهی را نشان می‌دهد. یافته‌های تکیلیدین نشان می‌دهد افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان (۱۲-۱۹ درصد پس از بهار عربی) مستقیم با پیشرفت سیاسی مرتبط است. در پژوهش حاضر نیز بعد تصمیم‌گیری (با آلفای کرونباخ ۰/۸۵) به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی با گویه‌هایی مانند «مشارکت در تصمیمات مالی و سلامتی» تأیید شد.

اقتیادو (۲۰۲۴) مانند پژوهش حاضر، بر چندبعدی‌بودن توانمندسازی (اقتصادی، اجتماعی، آموزشی) توافق دارد. او نشان می‌دهد میزبانی گردشگران می‌تواند هم‌زمان چند بعد توانمندسازی را فعال کند. در پژوهش حاضر نیز هفت بعد (از جمله اقتصادی و اجتماعی) با پایایی کلی ۰/۸۳ تأیید شد. ابزار ارائه‌شده در پژوهش حاضر، شاخص‌های بوم‌محور مانند «نگرش مردان خانواده به اشتغال زنان» در بعد جنسیتی را شامل می‌شود که در مطالعه اقامیادو غایب است. آرتی (۲۰۲۳) بر ضرورت ادغام ابعاد روانی، اقتصادی و سیاسی تأکید می‌کند. پژوهش حاضر این امر را در قالب زیرمقیاس‌های مستقل (با آلفای ۰/۷ تا ۰/۸۵) محقق ساخته است. پژوهش حاضر با افزودن بعد «سلامت و رفاه خانواده» با گویه‌هایی مانند «برنامه‌ریزی مشترک برای بودجه خانواده» و «جنسیتی» (سنجش نگرش‌های مردان خانواده)، چارچوبی جامع‌تر ارائه می‌دهد؛ درحالی‌که آرتی بدون طراحی ابزار عملیاتی صرفاً بر ضرورت این ابعاد تأکید کرده است. ماندال (۲۰۲۰) مانند پژوهش حاضر، ابعاد آموزشی، اقتصادی و سیاسی را به‌عنوان پایه‌های توانمندسازی به رسمیت می‌شناسد. او این ابعاد را در قالب طبقه‌بندی مفهومی معرفی می‌کند. پژوهش حاضر علاوه بر بعد آموزشی در قالب «دسترسی به اطلاعات» در بعد مدنی، اعتبارسنجی تجربی را با روش‌های کمی (تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ) انجام داده است. همچنین بعد مدنی در ابزار حاضر (با آلفای ۰/۵) اگرچه نیاز به بهبود دارد، اما از نظر عملیاتی پیشرفتی نسبت به چارچوب صرفاً نظری ماندال محسوب می‌شود. روایی سازه (۵۹ درصد واریانس توضیح‌داده‌شده) با استانداردهای مطرح‌شده همسو است که حداقل ۵۰ درصد واریانس را برای ابزارهای سنجش چندبعدی قابل‌قبول می‌داند. این نتیجه با مطالعه شارما (۲۰۲۳) که بر اهمیت ادغام ابعاد مختلف تأکید داشت، همخوانی دارد.

ابزار ارائه شده با پوشش ابعاد نوظهوری مانند «جنسیتی» و «سلامت خانواده»، گامی فراتر از چارچوب‌های رایج لاتین (مانند مدل‌های شارونگا و شولر) برداشته است. بهبود پایایی کلی نسبت به پیشینه‌های تجربی و توجه به تعامل پیچیده ابعاد (اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی)، آن را برای سنجش توانمندسازی در جوامع فارسی‌زبان مناسب می‌کند. با این حال، ضعف پایایی بعد مدنی و نیاز به بومی‌سازی بیشتر برای جوامع غیرایرانی، زمینه‌ای را برای پژوهش‌های آتی فراهم می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف پاسخ به خلأ اساسی در حوزه پژوهش‌های توانمندسازی زنان، یعنی نبود ابزاری بوم‌محور، چندبعدی و معتبر که هم‌زمان ابعاد روانی-اجتماعی و زمینه‌محور را در بافت فرهنگی ایران پوشش دهد، طراحی و اجرا شد. مرور پیشینه تجربی و نظری نشان داد ابزارهای موجود عمدتاً بر بعد اقتصادی متمرکزند و از سنجش تعامل پیچیده ابعادی مانند نگرش‌های جنسیتی درون خانواده، سلامت روانی و رفاه خانواده غافل مانده‌اند. همچنین ابزارهای ترجمه‌شده فاقد اعتبار لازم برای انعکاس ویژگی‌های منحصر به فرد جوامع فارسی‌زبان، به‌ویژه نقش ساختارهای مردسالارانه و هنجارهای فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی بودند. در پاسخ به این شکاف، پژوهش حاضر با به‌کارگیری یک روش‌شناسی ترکیبی قوی (کیفی-کمی) و با مشارکت یک نمونه بزرگ و متنوع ۸۰۰ نفری از زنان شهری و روستایی، موفق به تولید و اعتباریابی یک پرسشنامه ۳۶ گویه‌ای در هفت بعد شد. یافته‌های تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار منطقی ابزار را با تبیین ۵۹ درصد از واریانس داده‌ها تأیید کرد. افزودن ابعاد نوآورانه «جنسیتی» (سنجش نگرش مردان خانواده) و «سلامت و رفاه خانواده» نقطه تمایز و قوت اصلی این ابزار در مقایسه با مدل‌های پیشین مانند شولر (۲۰۱۰) یا شارونگا (۲۰۱۹) است؛ زیرا موانع ساختاری و زمینه‌ای مؤثر بر توانمندسازی زنان ایران را به شکل مستقیم می‌سنجد.

پایایی قابل قبول کلی ابزار ($\alpha=0/83$) و پایایی مطلوب ابعاد اصلی آن، از جمله تصمیم‌گیری ($\alpha=0/85$) و جنسیتی ($\alpha=0/85$)، نشان‌دهنده قابلیت اطمینان این ابزار برای استفاده در پژوهش‌ها و ارزیابی‌های سیاستی است. اگرچه ضریب آلفای بعد مدنی ($\alpha=0/50$) نیاز به بازنگری در گویه‌های این بعد در آینده را نشان می‌دهد، ولی حفظ آن در ابزار نهایی بر اهمیت این سازه و نیاز به توجه بیشتر به آن تأکید می‌کند.

نقاط قوت روش‌شناختی این پژوهش، شامل استفاده از نمونه‌ای بزرگ و متنوع از نظر جغرافیایی و جمعیت‌شناختی، ترکیب روش‌های کیفی (مصاحبه با خبرگان) و کمی (تحلیل عاملی) برای طراحی و اعتباریابی و محاسبه دقیق شاخص‌های روایی محتوا (CVI) و روایی صوری، همگی به غنای علمی ابزار ارائه‌شده افزوده و آن را به ابزاری جامع و قابل اعتماد برای سنجش توانمندسازی زنان در ایران تبدیل کرده است.

در نهایت، این ابزار نه تنها یک دستاورد روش‌شناختی برای پرکردن خلأ موجود در ادبیات پژوهشی داخلی محسوب می‌شود، بلکه با ارائه داده‌های دقیق و چندبعدی، چارچوبی عملیاتی در اختیار سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و نهادهای مدنی قرار می‌دهد تا با شناسایی دقیق قوت‌ها و ضعف‌ها، مداخلاتی هدفمند و کارآمد را برای تسریع در روند توانمندسازی همه‌جانبه زنان ایرانی طراحی و اجرا کنند.

۷. پیشنهادها

برای تبدیل این یافته‌ها به اقدامات ملموس، در سطح راهبردی پیشنهاد می‌شود قوانین تبعیض‌آمیز با تمرکز بر اصلاح موانع شناسایی‌شده در بعد جنسیتی مانند مخالفت با اشتغال یا تحصیلات زنان بازنگری شود و این ابزار به‌عنوان سند پشتیبان در پایش ملی اهداف توسعه پایدار ادغام شود. در سطح مدیریتی، طراحی مداخلات چندبعدی برای مناطق محروم و ایجاد صندوق‌های

اعتباری با اولویت‌دهی به زنان دارای نمره اقتصادی پایین ضروری است. در سطح عملیاتی، اجرای دوره‌ای این پرسشنامه برای رصد اثربخشی برنامه‌ها، راه‌اندازی پلتفرم دیجیتال «نقشه توانمندسازی زنان ایران» پیشنهاد می‌شود. انجام مطالعات تطبیقی در سایر جوامع از جمله اعتباریابی بین فرهنگی این ابزار در جوامع فارسی‌زبان همسایه (افغانستان، تاجیکستان)، نیاز به بهبود زیرمقیاس‌های ضعیف‌تر (مانند توانمندسازی مدنی) و انجام مطالعات طولی برای سنجش تأثیر تحولات اجتماعی بر نمرات توانمندسازی از پیشنهاد‌های دیگر برای پژوهش‌های آتی است. این چارچوب جامع، نه تنها ابزاری برای ارزیابی وضعیت موجود است، بلکه با شناسایی نقاط اتکا و موانع ساختاری (از جمله نگرش‌های جنسیتی و ضعف آگاهی حقوقی)، نقشه‌ای عملیاتی در اختیار سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و فعالان حوزه زنان قرار می‌دهد تا با مداخلات هدفمند، مسیر تحقق برابری جنسیتی در ایران را شتاب بخشند.

۸. تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان این مقاله وجود ندارد. این پژوهش مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل فعالیت بدنی اوقات فراغت و تأثیر آن بر بهزیستی معنوی و توانمندسازی زنان ایرانی: رویکردی میان‌نسلی» در دانشگاه تربیت مدرس است که تحت راهنمایی جناب آقای دکتر سید رسول نوروزی انجام شده است.

References

- Aarti, T. D. (2023). Women's empowerment: Current trends and the overlooked issue of physical activity participation. *International Journal of Applied Research*, 9(9), 221-229. <https://doi.org/10.22271/allresearch.2023.v9.i9c.11329>
- Abdulai, M. G., Salifu, M., & Domanban, P. B. (2024). Determinants of multi-dimensional women empowerment in Mali. *Cogent Economics & Finance*, 12(1), 1-19. <https://doi.org/10.1080/23322039.2024.2383098>
- Alemie, A. S., Yeshita, H. Y., Zeleke, E. G., & Mekonnen, B. D. (2023). Intimate partner violence and associated factors among HIV positive women attending antiretroviral therapy clinics in Gondar city, Northwest Ethiopia. *BMC Women's Health*, 23(1), 1-10. <https://doi.org/10.1186/s12905-023-02193-7>
- Alizadeh, H., Bork-Hüffer, T., Kohlbacher, J., Mohammed-Amin, R. K., & Naimi, K. (2024). The contribution of urban public space to the social interactions and empowerment of women. *Journal of Urban Affairs*, 46(4), 717-740. <https://doi.org/10.1080/07352166.2022.2095915>
- Astinfeshan, S., Alibaygi, A., Karami, D. E., & Gholami, M. (2018). The Effect of Social Awareness on Empowerment Level of Rural Women (Zanjanrood District, Zanjan Township). *Sociology of Women*, 8(4), 103-124. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1396.8.32.6.1> (In Persian)
- Ataei, P., & Miandashti, N. Z. (2012). The role of women's cooperatives in empowerment of their members. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 2(3), 433-444. <https://doi.org/10.22059/ijaedr.2012.24816> (In Persian)
- Azimi, N., Alibaygi, A. H., & Papzan, A. (2023). A model for empowering rural women in Kermanshah county. *Village and Development*, 25(4), 67-86. <https://doi.org/10.30490/rvt.2021.354399.1354> (In Persian)
- Banerjee, S., Alok, S., & George, B. (2020). Determinants of women empowerment as measured by domestic decision-making: perspective from a developing economy *Advanced Issues in the Economics of Emerging Markets* (pp. 1-12): Emerald Publishing Limited. <http://dx.doi.org/10.1108/S1571-038620200000027001>
- Batliwala, S., & Dhanraj, D. (2007). Gender myths that instrumentalize women: a view from the Indian front line. *Feminisms in Development: Contradictions, Contestations and Challenges*, 35(4), 11-18. <https://doi.org/10.1111/j.1759-5436.2004.tb00150.x>
- Cattaneo, L. B., & Chapman, A. R. (2010). The process of empowerment: a model for use in research and practice. *American Psychologist*, 65(7), 646-659. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0018854>

- Efthymiadou, F., & Farmaki, A. (2024). Women empowerment in peer-to-peer accommodation settings: perspectives of female Airbnb hosts. *Journal of Sustainable Tourism*, 32(8), 1686-1707. <https://doi.org/10.1080/09669582.2023.2262782>
- Hao, F., Zhang, S., & Xiao, H. (2021). A return to innocence: Guimi tourism and women empowerment. *International Journal of Tourism Research*, 23(6), 971-983. <https://doi.org/10.1002/jtr.2457>
- Islam, N. (2020). Women empowerment through entrepreneurship development in Bangladesh: A multivariate analysis. *International Journal of Management (IJM)*, 11(10), 379-392. <http://dx.doi.org/10.34218/IJM.11.10.2020.037>
- James, D. (2022). Women Empowerment: A Literature Review. *Acta Scientific Women's Health*, 4, 60-64. <http://dx.doi.org/10.54443/ijebas.v2i6.753>
- Kabeer, N. (1999). *The conditions and consequences of choice: reflections on the measurement of women's empowerment. the United Nations Research Institute for Social Development*. (Vol. 108): Unrisd Geneva. 1-64. <https://digitallibrary.un.org/record/286525?ln=en>
- Kalhuri, S., & Mohammadian, F. (2022). Investigating the Relationship between Financial Access and Women's Economic Empowerment in Middle Eastern Countries. *Woman in Development & Politics*, 20(2), 165-182. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.334293.1008116> (In Persian)
- Kilolo, J.-M. M., Bah, M. M., & Mastaki, J.-L. N. (2023). Does women empowerment foster export diversification? Evidence from a sample of developing countries. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 32(8), 1215-1248. <https://doi.org/10.1080/09638199.2023.2255908>
- Kouadio, H. K., & N'Guessan, R. K. (2024). Do educational inequalities between marital partners influence the empowerment of educated women in ECOWAS? *Applied Economics*, 56(9), 1049-1062. <https://doi.org/10.1080/00036846.2023.2174938>
- Machio, P. M., Kimani, D. N., Kariuki, P. C., Ng'ang'a, A. M., & Njoroge, M. M. (2022). Social Capital and Women's Empowerment. *Forum for Social Economics*, 53(3), 322-340. <https://doi.org/10.1080/07360932.2022.2115526>
- McCarthy, A. S., & Krause, B. (2024). Age and Agency: Evidence from a Women's Empowerment Program in Tanzania. *World Development*, 178, 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2024.106591>
- Moosavi Jashni, S. S., & Keshavarz, A. (2025). Components of Women Empowerment in Imam Khomeini's Thought. *Journal of Political Sociology of Islamic World*. <https://doi.org/10.22070/iws.2024.19198.2377> (In Persian)
- Nayak, P., & Mahanta, B. (2009). Women empowerment in Assam. University Library of Munich, Germany, MPRA Paper. 1-22. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1325103>
- Norouzi, A., Farhadian, H., & Hosseini, M. (2019). Investigating the amount of economic, social, psychological, and family empowerment of rural women who are member of microfinance credits in Sistan area. *Rural Development Strategies*, 6(2), 135-144. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2020.169642.1777> (In Persian)
- Palash, M. S., Haque, A. M., Rahman, M. W., Nahiduzzaman, M., & Hossain, A. (2024). Economic well-being induced Women's empowerment: Evidence from coastal fishing communities of Bangladesh. *Heliyon*, 10(7), 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e28743>
- Rafiey, H., Rarani, M. A., Alipour, F., Rouhi, N., & Morasae, E. K. (2018). Assessment of women's empowerment: An exploratory study to develop a valid and reliable Persian-version tool. *Health Care for Women International*, 39(10), 1110-1122. <http://dx.doi.org/10.1080/07399332.2018.1442837>
- Rodés Paragarino, V., & Gewerc, A. (2022). Educational innovation, open educational resources, and gender in latin american universities. *Education Sciences*, 13(1), 1-15. <https://doi.org/10.3390/educsci13010019>
- Röger-Offergeld, U., Kurfer, E., & Brandl-Bredenbeck, H. P. (2023). Empowerment through participation in community-based participatory research—effects of a physical activity promotion project among socially disadvantaged women. *Frontiers in Public Health*, 11, 1-16. <http://dx.doi.org/10.3389/fpubh.2023.1205808>
- Rowlands, J. (1997). *Questioning empowerment: Working with women in Honduras*: Oxfam.1-116. <https://share.google/liqj02cKT1zDuKSIh>
- Saffari, M., & Heidari, K. (2022). The effect of self-expression on the empowerment of Iranian women adventure travellers. *Leisure Studies*, 41(6), 831-846. <https://doi.org/10.1080/02614367.2022.2088829>

- Saffari, M., Heidari, K., & Latifi Fard, M. (2020). The Effect of Enduring Involvement in Adventure Tourism on Women's Empowerment. *Sport Management Studies*, 12(59), 113-134.
<https://doi.org/10.22089/smrj.2018.4942.1956>
- Saluja, O. B., Singh, P., & Kumar, H. (2023). Barriers and interventions on the way to empower women through financial inclusion: A 2 decades systematic review (2000–2020). *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1), 1-14. <https://doi.org/10.1057/s41599-023-01640-y>
- Schuler, S. R., Islam, F., & Rottach, E. (2010). Women's empowerment revisited: a case study from Bangladesh. *Development in Practice*, 20(7), 840-854. <https://doi.org/10.1080/09614524.2010.508108>
- Sharaunga, S., Mudhara, M., & Bogale, A. (2019). Conceptualisation and measurement of women's empowerment revisited. *Journal of Human Development and Capabilities*, 20(1), 1-25.
<https://doi.org/10.1080/19452829.2018.1546280>
- Sharma, N. (2023). An Analysis of Different Approaches to Women Empowerment: A Case Study of India. *International Journal For Multidisciplinary Research*, 7(1), 1-10.
<https://doi.org/10.36948/ijfmr.2023.v05i06.9954>
- Takielddin, R. (2023). Political Empowerment of Egyptian Women (2005-2022). *American Journal of Youth and Women Empowerment*, 2(2), 9-17. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.5216136>
- Tan, C. (2021). A Confucian interpretation of women's empowerment. *Journal of Gender Studies*, 30(8), 927-937. <https://doi.org/10.1080/09589236.2020.1852917>
- Tiwari, P., & Malati, N. (2023). Role of training in women empowerment: an empirical analysis: women empowerment. *Journal of Technical Education and Training*, 15(1), 234-245.
<http://dx.doi.org/10.30880/jtet.2023.15.01.020>
- Tizchang, M., Naghizadeh, Z., mahdavi, h., & Shahvali, R. (2024). Meta-Analysis of Women's Economic Empowerment Studies and the social-cultural Implications in Iran. *Socio-Cultural Development Studies*, 12(3), 9-36. <http://dx.doi.org/10.61186/scds.12.3.9>. (In Persian)
- Valerio, E., Hilmia, N., Thei, R. S., Barraza, A. S., & Prior, J. (2024). Innovation for whom? The case of women in cattle farming in Nusa Tenggara Barat, Indonesia. *Journal of Rural Studies*, 106, 1-14.
<https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2024.103198>
- Widiastuti, T., Al-shami, S. A., Mawardi, I., Zulaikha, S., Haron, R., Kasri, R. A.,... Dewi, E. P. (2024). Capturing the barriers and strategic solutions for women empowerment: Delphi analytical network process. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 10(3), 1-19.
<https://doi.org/10.1016/j.joitmc.2024.100345>